View the original article

فراتر از خبر

رهبر پیشین «انصار حزب‌الله» چگونه تاریخ «چماق‌داری» را تحریف می‌کند

رادیو فردا

۲۷/آبان/۱۴۰۵



حسین الله‌کرم، از پایه‌گذاران گروه موسوم به «انصار حزب‌الله»، اکنون در دانشگاه تدریس می‌کند

حسین الله‌کرم، از پایه‌گذاران گروه موسوم به «انصار حزب‌الله»، یکی از رهبران سابق گروه‌های فشار در ساختار جمهوری اسلامی، مدعی شده که اقدامات پیشین این گروه‌ها از جمله آتش‌زدن کتابفروشی، بر هم زدن سخنرانی‌ها و حمله به دفاتر سیاسی مورد تأیید او نبوده است.

این ادعا به چه معناست و چرا در شرایط کنونی مطرح می‌شود؟

الله‌کرم کیست و چه گفت؟

عبدالحسین الله‌کرم، از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران در دوران جنگ ایران و عراق که اکنون به عنوان عضو هیئت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی با رسانه‌ها مصاحبه می‌کند، در دهه‌های هفتاد و هشتاد یکی از تندروترین چهره‌هایی بود که نه تنها علیه شهروندان و جامعه مدنی، بلکه علیه دولت‌های وقت نیز موضع می‌گرفت.

او همچنین با پایه‌گذاری گروه انصار حزب‌الله، حلقه‌ای از لباس شخصی‌ها را برای اقدامات سرکوبگرانه علیه منتقدان سیاسی و فرهنگی رهبری می‌کرد.

انصار حزب‌الله در اوایل دههٔ ۱۳۷۰ و در فضای پس از جنگ و هم‌زمان با تحولات دوران ریاست‌جمهوری اکبر هاشمی رفسنجانی شکل گرفت و با آنچه «تهاجم فرهنگی» می‌خواند، مخالفت می‌کرد.

حمله به کتاب‌فروشی «مرغ آمین» در سال ۱۳۷۴، حمله به سینما قدس تهران و برهم‌زدن سخنرانی عبدالکریم سروش از نمونه‌های شناخته‌شده اقدامات این نیروها بود. در سال ۱۳۷۸ نیز حضور نیروهای لباس‌شخصی در حمله به کوی دانشگاه تهران، بار دیگر توجه افکار عمومی را به نقش این طیف جلب کرد.



بیشتر در این باره:

روش‌های جمهوری اسلامی برای سرکوب؛ از تیر ۷۸ تا دی ۱۴۰۴

اما اکنون الله‌کرم در گفت‌وگویی با روزنامه همشهری ادعا کرده که برخی اقدامات نیروهای حزب‌الله، مورد تأییدش نبوده و باید همان زمان صریح‌تر با این رفتارها مخالفت می‌کرد.

او گفت: «من در گذشته در برابر برخی رفتارها مماشات کردم و امروز معتقدم نباید چنین می‌کردم. برخی افراد به نام حزب‌الله اقداماتی انجام دادند که مورد تأیید ما نبود، ازجمله آتش زدن یک کتاب‌فروشی، به هم زدن سخنرانی‌ها و حمله به یک دفتر سیاسی. این اقدامات مورد تأیید جریان انصار حزب‌الله نبود. اما من باید همان زمان موضع صریح‌تری می‌گرفتم و با این رفتارها مخالفت می‌کردم».

تقی رحمانی، تحلیلگر سیاسی ساکن فرانسه، در گفت‌وگو با رادیو فردا می‌گوید: «سخنان آقای الله‌کرم نوعی فرار به جلو است. حالا دیگر کسی نیست که بخواهد او را بزند و به همین دلیل می‌خواهد خودش را تبرئه کند».

او می‌افزاید: «الله‌کرم از آغاز، از ماجرای نشریات شلمچه و انصار و حزب‌الله گرفته تا مراحل بعدی، همواره یکی از تندروترین افراد در برخورد با مخالفان بوده و بدترین نوع مخالفت‌ها را با گروه‌های بی‌پناه و جریان‌هایی که کار فرهنگی می‌کردند، داشته است. او به این سیاست تا آخرین لحظه ادامه داده است».

برخی چهره‌های شناخته‌شدهٔ گروه‌های فشار، مانند خود الله‌کرم، اکنون وارد ساختارهای فرهنگی، آموزشی و سیاسی جمهوری اسلامی شده‌اند.

علاوه بر الله‌کرم که در دانشگاه تدریس می‌کند، مسعود ده‌نمکی، از فعالان سابق این جریان، سال‌هاست وارد سینما شده و با ساخت آثاری چون «اخراجی‌ها» به یکی از کارگردانان شناخته‌شده جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

هر چند آن‌ها از ایدئولوژی سیاسی خود دست نکشیده‌اند، اما در عرصه‌های جدید، به قول رضا علیجانی با پرسش افکار عمومی مواجه شده‌اند. این تحلیلگر سیاسی ساکن پاریس، ورود الله‌کرم به دانشگاه را در حالی که استادان باسابقه از دانشگاه اخراج می‌شوند، «طنز تراژیک» می‌خواند.

او به پرسش‌های افکار عمومی از عملکرد الله‌کرم اشاره می‌کند و می‌گوید: «از این طنز تراژیک که بگذریم، به هر حال ایشان اکنون در عرصهٔ جامعه با نسل جوان مواجه است. علاوه بر این، ممکن است با فرزندان خود یا اقوام نزدیک و جوانان پیرامونش نیز روبه‌رو شود. از آن‌جا که نامش به‌عنوان یکی از سردمداران سابق گروه‌های فشار شناخته شده است، طبیعی است که با پرسش‌هایی از سوی افکار عمومی مواجه شود».



بیشتر در این باره:

آمریکا زندان اوین، انصار حزب‌الله و رئیس صدا و سیمای ایران را تحریم کرد

«چماق‌داری» مطالبه‌گری نیست

الله‌کرم در ادامه مصاحبه‌اش با همشهری بر ضرورت قدرت گرفتن گروه‌های فشار تاکید کرده و گفته است: «اگر به ابتدای فعالیت سیاسی و اجتماعی خودم برگردم، از ابتدا وارد قدرت سیاسی می‌شوم. آن زمان تصورم این بود که می‌توان از بیرون ساختار قدرت و از طریق مطالبه‌گری مسیرها را اصلاح کرد. امروز فکر می‌کنم حضور در قدرت سیاسی امکان اثرگذاری مستقیم‌تری فراهم می‌کند. شاید اگر زودتر وارد قدرت سیاسی شده بودم، می‌توانستم زودتر با فساد، ناکارآمدی و روابط ناسالم مقابله کنم».

اما آقای علیجانی کارنامهٔ الله‌کرم را نه «مطالبه‌گری»، بلکه «چماق‌داری» می‌خواند: «الله‌کرم اسم "چماق‌داری" را تغییر داده و از آن با عنوان "مطالبه‌گری" یاد می‌کند. می‌گوید ما باید به شکل دیگری "مطالبه‌گری" می‌کردیم. اما مطالبه‌گری در برابر قدرت معنا پیدا می‌کند، در حالی که گروه‌های فشار مستقل نبودند و بخشی از جامعه مدنی به شمار نمی‌رفتند؛ این گروه‌ها به قدرت وصل بودند».

علیجانی با اشاره به حملات انصار حزب‌الله به دفتر نشریهٔ «ایران فردا» که خود او در آن کار می‌کرد، تاکید می‌کند: «بنابراین، این گروه‌ها مطالبه‌گر نبودند که حالا بخواهیم نام چماق‌داری را به مطالبه‌گری تغییر بدهیم».

به عقیدهٔ این تحلیلگر سیاسی، این که الله‌کرم می‌گوید نیروهای فشار به جای «مطالبه‌گری» باید وارد قدرت می‌شدند، «یعنی باید چماق‌داری از شکل فیزیکی و خیابانی آن به چماق‌داری در قدرت تبدیل می‌شد و این دقیقاً همان چیزی است که عملاً اتفاق افتاده است. بنابراین، این نقد گذشته نیست».

آیا گروه‌های فشار مسئولیت می‌پذیرند؟

جابه‌جایی موقعیت رهبران و چهره‌های گروه‌های فشار نشان می‌دهد که تغییر حرفه و جایگاه اجتماعی لزوماً به معنای تغییر دیدگاه سیاسی یا پذیرش مسئولیت گذشته نیست.

تقی رحمانی درباره لزوم مسئولیت پذیری این گروه‌ها می‌گوید که آن‌ها باید در دادگاه‌ها پاسخگو باشند: «الله‌کرم اگر واقعاً راست می‌گوید، باید محاکمه شود تا حقیقت معلوم شود».

او با اشاره به این‌که اظهارات اخیر الله‌کرم را نباید به معنای تجدیدنظر در چنین سازوکاری دانست، تاکید می‌کند: «به نظر من، جمهوری اسلامی آمادگی چنین برخورد صادقانه‌ای با گذشته را ندارد. قدرتمندترین جناح‌های جمهوری اسلامی همواره از این اقدامات حمایت کرده‌اند: حمله به گروه‌ها، تشکل‌های فرهنگی و افراد مستقل».

آقای علیجانی نیز می‌گوید که اساسا گروه‌های فشار زادهٔ ساختار جمهوری اسلامی هستند و از بین نمی‌روند، بلکه نسل به نسل تغییر می‌یابند: «نسل آقای الله‌کرم دیگر پیر شده و جمهوری اسلامی برای گروه‌های فشار، یک چرخش نسلی ایجاد کرده است. این گروه‌ها همواره به قدرت متکی بوده‌اند. قدرت نیز همیشه از آن‌ها استفاده کرده، آن‌ها را تجدید سازماندهی کرده و مورد حمایت قرار داده است».

گروه‌های فشار در سال‌های اخیر، در قالب «آتش‌به‌اختیارها» که مورد حمایت علی خامنه‌ای، رهبر کشته‌شدهٔ جمهوری اسلامی، نیز بودند فعالیت داشتند.

علیجانی ادامه می‌دهد: «فراموش نمی‌کنیم که وقتی گروه‌های فشار به سفارت عربستان حمله کردند و آن افتضاح را به راه انداختند، علی خامنه‌ای آمد و گفت کارشان اشتباه بوده، اما نباید آن‌ها را تخریب کرد. گفت این‌ها فرزندان نظام و انقلابی‌اند».

این تحلیلگر اضافه می‌کند: «بنابراین، این گروه‌ها مرتب تجدید سازماندهی شدند. امتداد آن‌ها به لباس‌شخصی‌هایی رسید که در خیابان مردم را کشتند و فاجعهٔ دی‌ماه ۱۴۰۴ را به وجود آوردند. این نقطه‌چین تاریخی به این‌جا ختم می‌شد».

بیشتر در این باره:



زنان، حجاب و ضربان زندگی در تهران؛ روایتی از یک شهرِ در انتظار

سایه چماق‌دارها همچنان بر جامعه افتاده است

اظهارات اخیر حسین الله‌کرم را نمی‌توان به‌خودی‌خود نشانهٔ پایان دورهٔ گروه‌های فشار یا حتی بازنگری اساسی در عملکرد آن‌ها دانست. آنچه در چهار دههٔ گذشته تغییر کرده، بیش از آن‌که لزوماً تغییر ماهیت یا اهداف این جریان‌ها باشد، شکل حضور و ابزارهای اعمال نفوذ آن‌هاست.

تا زمانی که سازوکار حمایت از این نیروها و مصونیت آن‌ها در برابر پاسخ‌گویی تغییر نکند، پشیمانی دیرهنگام برخی چهره‌ها را نمی‌توان معادل تغییر واقعی دانست.

چماق‌داران دیروز ممکن است امروز پشت تریبون دانشگاه، در رسانه یا در نهادهای سیاسی قرار گرفته باشند، اما سازوکار گروه‌های فشار همچنان باقی است.

این مطلب بخشی از:

سیاسی | بایگانی | فراتر از خبر

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.